

## ماهیت و چگونگی غیبت امام زمان علیه السلام

محمدتقی یارمحمدیان<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۵

### چکیده

چگونگی غیبت امام زمان علیه السلام پرسشی است که گاه و بیگاه ذهن جامعه شیعی را به خود مشغول ساخته و مسئله‌ای است که پیروان آن حضرت با انگیزه‌های ارزشمند و دشمنان با اهداف مُغرضانه آن را مورد واکاوی قرار داده‌اند. نوشتار حاضر با روش تحلیل ادله و حیانی و با استفاده از گزارش‌های تاریخی، نشان داده است که انحصار چگونگی غیبت و تفسیر آن، به دو شیوه: یکی دیده نشدن امام و دیگری دیده شدن و شناخته نشدن امام، تصویر کامل و دقیقی از چگونگی غیبت نیست و نه تنها می‌توان مواردی را بر این دو شیوه افزود، بلکه براساس دلیل عقلانی، بایستی امام را دارای قدرتی دانست که نه تنها از شیوه‌های نهان‌زیستی پیامبران و حجت‌های پیشین و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام برخوردار است، بلکه قدرت بر هر شیوه نوینی از غیبت را داراست و هیچ‌گونه انحصاری در شیوه‌های نهان‌زیستی امام زمان علیه السلام وجود ندارد.

واژگان کلیدی

امامت، مهدویت، مهدی، اقسام و تقسیمات غیبت، غیبت صغری و کبری، نهان‌زیستی، صفات امام، قدرت امام.

### مقدمه

از مباحث مطرح در غیبت امام زمان علیه السلام چگونگی غیبت است. پژوهش‌هایی که تاکنون در این باره انجام شده از دو نظریه یا دو تفسیر: دیده نشدن امام از اساس یا دیده شدن و شناخته نشدن ایشان، حکایت دارد. برخی تنها شناخته نشدن را ترجیح داده‌اند و ادله نظریه نخست را حمل بر آن کرده‌اند. گاهی تحقق غیبت به هر دو گونه پذیرفته شده است.<sup>۲</sup> این

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته امامت (yareaemeh@gmail.com).

۲. حائری پور، محمد مهدی، مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام - تداوم جریان سنت غیبت در انبیاء علیهم السلام، فصل‌نامه

نگاشته به دنبال آن است که آیا دو نظریه یاد شده، دو گونه از غیبت است یا دو تفسیر برای غیبت؟ و در صورت نخست آیا گونه‌های غیبت امام زمان علیه السلام، تنها منحصر در همین دو شیوه است یا اساساً انحصاری وجود ندارد؟ توجه به این نکته لازم است که در نوشتار حاضر، محل دقیق بحث، فاعل شیوه‌های غیبت نیست؛ بدین معنا که فاعل شیوه‌های پنهان‌زیستی، خدا یا امام است؛ یا این که سهم و نقش هریک از آن دو، در این شیوه‌ها چقدر است. نیز سخن این نوشتار درباره چگونگی جمع میان غیبت آن حضرت، با امامت و سرپرستی جامعه نمی‌باشد، بلکه سخن تنها پیرامون چگونگی پنهان بودن چهره و بدن مقدس امام است. دوگانگی این دو بحث مانند آن است که در حدیثی امام زمان علیه السلام در ایام غیبت، به خورشید پشت ابر تشبیه شده، معنای این تشبیه شیوه انتفاع مردم از امام است و شیوه امامت او به خورشید پشت ابر تشبیه شده نه پنهان ماندن جسم ایشان. زیرا زمانی که خورشید پشت ابر است، دیدن خورشید ناممکن نیست و هرچند به سختی، ولی گاهی می‌توان اندکی آن را دید. پس حدیث به این معنا نیست که همانند زمانی که نور اندکی از خورشید پشت ابر دریافت می‌شود، اندکی به جسم امام زمان علیه السلام دسترسی داشته باشیم؛ بلکه اساساً حدیث، از شیوه امامت حضرت، در زمان غیبت سخن می‌گوید.

ضرورت ارتقاء معرفت جامعه شیعی از امام عصر علیه السلام، بایستگی تبیین صحیح و کامل از شخصیت، صفات و قدرت امام زمان علیه السلام و ضرورت تکمیل منظومه معارف مهدویت و از همه مهم‌تر، احساس برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها در تبیین چگونگی غیبت امام زمان علیه السلام، نگارنده را بر آن داشت تا به این پژوهش دست بزند.

این نگاشته با روش تحلیلی عقلانی ادله و حیانی و با استفاده از گزاره‌های تاریخی به چگونگی غیبت پرداخته و از آن جا که تقسیمات غیبت به شناخت چگونگی آن کمک می‌کند، ابتدا اشاره‌ای به اقسام غیبت خواهد داشت؛ آن‌گاه به بررسی شیوه‌های گوناگون تحقق غیبت می‌پردازد و در انتها دیدگاه خود را در این باره، تبیین خواهد نمود.

پژوهش‌های مهدوی، ج ۲۱، ۵۴؛ رحیمی جعفری، محسن، حقیقت غیبت از منظر روایات، ۵۹-۸۴؛ در این کتاب نظریه شناخته نشدن ترجیح داده شده و ادله دیده نشدن، بر معنای شناخته نشدن حمل شده است؛ برای اطلاع بیشتر، ر.ک: سلیمیان، خدامراد، درس‌نامه مهدویت، ۳۶-۴۱. گاهی به صورت دوپهلوی سخن گفته شده؛ دقیقاً مشخص نیست که این دو، دو نظریه یا دو تفسیر یا دو گونه برای غیبت است؟! (ر.ک: جمعی از نویسندگان، امام مهدی علیه السلام، حسین الهی‌نژاد و محمد میانجی، چگونگی غیبت امام زمان علیه السلام، ۲۵۵-۲۵۷).

## اقسام غیبت

واژه غیبت به معنای پنهان شدن چیزی از دید آدمی است. وقتی گفته می شود:

غَابَتِ الشَّمْسُ تَغِيبًا وَغُيُوبًا وَغَيْبًا؛<sup>۱</sup>

هنگامی است که خورشید از دیده‌ها پنهان می‌شود.

غیبت در اصطلاح مباحث مهدویت، به پنهان‌زیستی امام زمان عجل الله تعالی فرجه گفته می‌شود. اصطلاح غیبت همسان با معنای لغوی آن، به معنای عدم ظهور است و این تلقی که معنای آن، عدم وجود یا حتی عدم حضور امام است، پنداری اشتباه است. وقتی خورشید از دیده‌ها غایب می‌شود، به این معنا نیست که دیگر وجود ندارد؛ بلکه تنها برای ساعاتی از دید انسان پنهان شده است. در احادیثی امام زمان عجل الله تعالی فرجه در دوران غیبت، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. در این احادیث، چگونگی انتفاع مردم از سرپرستی و ولایت‌ورزی امام غایب، به بهره‌مندی مردم از خورشید پشت ابر تشبیه شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۷، ۲۵۳؛ ج ۲، ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۲؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۵۴-۵۵).

غیبت تقسیم‌هایی دارد که به طور کامل تبیین نشده است. از آن جا که این تقسیمات، نشان‌دهنده اصناف این حقیقت است در به‌شناسی گونه‌های غیبت تأثیرگذار است، پیش از ورود به گونه‌های تحقق غیبت به تقسیم‌هایی که می‌توان برای غیبت ارائه نمود، پرداخته می‌شود. غیبت را می‌توان از جهات مختلف تقسیم کرد:

**یک) طویله و قصیره:** امام زمان عجل الله تعالی فرجه دو نوع غیبت معروف دارد که در ادبیات روایی ما از این دو قسم غیبت، «طویله و قصیره» یاد شده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۰) ولی به «غیبت کبری و صغری» اشتهار یافته است. این تقسیم، براساس بلندی و کوتاهی زمان آن دو است.

**دو) تامه در مقابل ناقصه، «الغَيْبَةُ التَّامَّةُ»:** این ادبیات در توقیع شریف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که در پایان سفارت آن حضرت، به آخرین سفیر ایشان جناب علی بن محمد سمری صادر شده، به کار گرفته شده است. در این توقیع حضرت، پس از خبر فرا رسیدن مرگ وی؛ دستور می‌دهند:

به کارهایت سامان بده و دیگر به هیچ کس وصایت نکن و [کسی را به جانشینی خود

۱. خورشید غائب شد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۰۳).

نگمار زیرا از این [پس «غیبت تامه» واقع شده؛ پس دیگر ظهور [ی برای من] نخواهد بود مگر پس از اذن خدایی که یادش رفیع است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۵).

«غیبت تامه» و کامل همان «غیبت کبری» است. از واژگان «الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ» و نیز به قرینه مقابله و قرینه فضای صدور توقیع شریف، چنین فهمیده می‌شود که غیبت تامه، در مقابل «غیبت قصیره» یا همان غیبت صغری است. از این رو می‌توان در مقابل واژه «تَامَّةُ»، واژه ناقصه را قرار داد و به این اعتبار غیبت را به تامه و ناقصه تقسیم نمود. در این ادبیات دیگر زمان، معیار تقسیم نمی‌باشد؛ بلکه چگونگی نهران و آشکارزیستی امام، معیار است در یکی غیبت رقیق و ناقص، و در دیگری کامل و بدون ظهور و آشکار شدن است.

سه) غیبت خوف و غیبت ایمن: در برخی روایات تأکید بر غیبت خائفانه امام زمان علیه السلام از بیم دشمنان و قتل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۷-۳۳۸، ح ۱۸، ۳۴۳، ح ۲۹، ۳۳۳-۳۳۴؛ ابن بابویه، ۱۹۹۶م: ج ۱، ۲۴۳). این نوع غیبت سبب گفتگوهای درون مذهبی و نیز طرح اشکالاتی از سوی مخالفان شده است. افراد جامعه بشری در رابطه با امام زمان علیه السلام به چند گروه کلی تقسیم می‌شوند:

۱. عارف، پیرو، منتظر، یاریگر و دوستدار امام زمان علیه السلام؛

۲. دشمنان سرسخت و ستیزه‌جو؛

۳. افراد ناآشنا؛

۴. دوستداران بی تفاوت و کم توجه؛

۵. مخالفان بی تفاوت و بی توجه.

غیبت خائفانه تنها در مواجهه با گروه دوم صادق است و نسبت به گروه‌های دیگر به ویژه گروه نخست، چندان بیم آسیبی وجود نداشته و امام خوفی از آنان ندارد. از این رو امام زمان علیه السلام تنها از یک دسته از افراد بشر، غیبت خائفانه دارند و نسبت به بسیاری از انسان‌ها، بیم‌گزندی وجود ندارد ولی با این حال از دید همگان غایبند. بر این اساس، حضرت بنا بر حکمت و تقدیر خداوند، از دوستداران و بی‌توجهان نیز در غیبتند؛ ولی در غیبت ایمن به سر می‌برند. پس از این جهت نیز تقسیم دیگری برای غیبت به وجود می‌آید.

چهار) غیبت دشمنانه و غیبت دوستانه: معیار در تقسیم پیشین آسیب‌رسانی به وجود مقدس امام زمان علیه السلام بود. این تقسیم که کاملاً با تقسیم گذشته مرتبط است، بر اساس غیبت از دشمنان و دوستان است. در احادیثی از عدم آگاهی بندگان از مکان حجت خدا و غیبت او از

شیعیان و دوستان وی سخن گفته شده است. در این دست احادیث پس از مطرح نمودن بحث غیبت، می‌فرماید:

... شدیدترین غضب خداوند بر دشمنانش، هنگامی است که آنان حجت الهی را گم می‌کنند و برای آنان ظاهر نمی‌شود. شیعیانِ امام زمان علیه السلام در زمان غیبت دچار تردید نمی‌شوند و اگر خدا می‌دانست که آنان دچار شک و تردید می‌شوند، هیچ‌گاه حجت خود را از آنان پنهان نمی‌ساخت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۳؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۵۴-۵۵).

در این حدیث شریف، ویژگی‌های غیبت امام از دوستان، از ویژگی‌های غیبت امام از دشمنان جدا شده است غیبت از دشمنان آثار و پیامدهائی دارد و در مقابل غیبت از دوستان کاملاً متفاوت و به گونه‌ای دیگر است. از این رو می‌توان از این جهت نیز غیبت را به غیبت از دشمنان و دوستان تقسیم کرد.

**پنج) غیبت الهی و غیبت مردمی:** از جمله عوامل غیبت، رفتارهای ناپسند در ارتباط با حجت خداوند و خطرات آنان برای امام و نیز گناهان روز مره مردم است (کلینی، ج ۱، ۳۴۳، ح ۳۱). این غیبت ناشی از رفتار مردم است. از برخی ادله استظهار می‌شود که رفتار ناپسند مردم، تنها علت برای غیبت نیست؛ بلکه اراده و خواست خداوند نیز، از مهم‌ترین اسباب غیبت است و در این ادله بر پنهان ماندن علت غیبت نزد خداوند تأکید شده است (ابن بابویه، ۱۹۶۶م: ج ۱، ۲۴۶). این غیبت ناشی از اراده الهی است. پس براساس حکمت و علت غیبت و سهم اراده الهی در غیبت و سهم مردم در غیبت نیز می‌توان آن را این‌گونه تقسیم کرد.

### گونه‌شناسی شیوه‌های تحقق غیبت

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، برای غیبت امام زمان علیه السلام دو تفسیر یا دو نظریه ارائه شده است. اما سخن در آن است که این دو تبیین و یا هر تبیین دیگری، تفسیر غیبت نمی‌باشد؛ بلکه هر یک از آنها گونه‌ای از غیبت است که امام زمان علیه السلام در هر مورد، گونه یا گونه‌هایی متناسب با آن را به کار ببندد. پس نمی‌توان گفت برای امام زمان علیه السلام بیشتر از یک نوع غیبت متصور نیست و آن را به دو یا چند معنا تفسیر نمود؛ بلکه غیبت حقیقتی است که در اشکال و گونه‌های متعدد تحقق می‌یابد. مانند انسان که یک حقیقت دارد و گونه‌هایی مانند زن، مرد، کودک، جوان، پیر، سیاه، سفید، کوتاه، بلند و غیره دارد. همگی اینها انسان هستند؛ اما در شکل‌های گوناگون تحقق یافته‌اند. ادعا آن نیست که غیبت مشترک لفظی است و یک

واژه برای چند حقیقت کاملاً متفاوت است. مانند واژه شیر در فارسی که برای شیر بیشه، شیر آب و شیر نوشیدنی وضع شده یا واژه عین در عربی که معروف آن است که برای ۷۰ معنا وضع شده است. از طرفی پذیرفتنی نیست که غیبت برای حقیقتی وضع شده باشد که تنها یک فرد دارد؛ مانند واژه خورشید که تنها برای یک حقیقت وضع شده و آن ستاره معروف است. بلکه مانند انسان مشترک معنوی است و یک حقیقت است که در مصادیق و گونه‌های متفاوت تحقق می‌یابد. زید و عمرو، زن و مرد، همگی انسان هستند ولی هر با یکدیگر متفاوت و غیر از یکدیگرند. غیبت نیز به پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام گفته می‌شود؛ اما به گونه‌های متفاوت تحقق می‌یابد که در ادامه تفاوت آنها روشن‌تر خواهد شد. برخی از گونه‌های غیبت عبارتند از:

### ۱. غیبت ناقص و کوتاه

این شیوه از غیبت که رقیق شده‌ای از غیبت طولانی است، ناقص بوده و اختصاص به دوران غیبت قصیره دارد. این نوع غیبت شبیه فردی است که به خاطر ترس از دستگیر شدن یا کشته شدن، در شهری دیگر مخفی شده با خانواده خود و دوستان بسیار نزدیک و مورد اطمینان در ارتباط است؛ برای او پیام می‌برند و از ناحیه او هم برای دیگران پیغام می‌آورند. گویا در این غیبت، بنا نیست از تصرفات تکوینی، مانند نامرئی زندگی کردن یا تصرف در چشمان مردم استفاده شود؛ یک نوع پنهان‌زیستی عادی مانند استتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان هجرت از مکه به مدینه است (این شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۵۸-۵۹؛ سیدمرتضی علم الهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۳ و ۵۶). در این غیبت هنوز ارتباط امام با جامعه شیعه به صورت محدود برقرار است (طبرسی، ۱۴۲۲ق: ۱۱۱) و با این محدودیت‌ها، زمینه انقطاع کامل از امام فراهم می‌آید تا جامعه شیعه با انقطاع ناگهانی، دچار فروپاشی یا آسیب جدی نگردد. چند مؤلفه در این نوع از غیبت وجود دارد:

**مانع شدن از دیدار:** این غیبت، نوعی اختفاء طبیعی و عادی از دید مردمان به ویژه دشمنان و حگام جور و بدون تصرفات تکوینی است. از این رو امکان دیدار عادی در آن وجود دارد. تنها مانع آن است که امام زمان علیه السلام، قصد پنهان‌زیستی معمولی دارند و اذن دیدار به عموم شیعیان نمی‌دهند. این غیبت شبیه به زندانی شدن یا محصور شدن امامان پیشین است. به عنوان نمونه زمانی که حضرت امام کاظم علیه السلام در زندان است، امکان دیدار او به صورت طبیعی وجود دارد و تنها مانع آن است که حگام ستمگر مانع از دیدار شده‌اند؛ یعنی دیدار و غیبت هر دو به

صورت عادی و طبیعی است.

**امکان مشاهده و تحقق دیدار:** در این غیبت با اذن امام زمان علیه السلام مشاهده کردن ایشان به طور طبیعی امکان پذیر و برای افرادی از جمله نائب و سفیر خاص امام و خانواده امام و برخی شیعیان تحقق یافته است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى أَهْلِهِ...»<sup>۱</sup> از عبدالله بن جعفر حمیری نقل شده که گفت:

از ابو عمرو عثمان بن سعید عمری (نخستین سفیر خاص امام زمان علیه السلام) پرسیدم: آیا تو جانشین امام حسن عسکری علیه السلام [یعنی امام زمان علیه السلام] را دیده‌ای؟ بی درنگ گفت به خدا قسم آری! و در حالی که با دستش اشاره می کرد گفت گردن امام این چنان بود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۰).

و از محمد بن عثمان عمری (دومین سفیر خاص امام) راجع به آن حضرت پرسیدم. پس به او گفتم: آیا تاکنون صاحب الامر را دیده‌ای؟ بی درنگ گفت بله و آخرین باری که ایشان را دیدم کنار کعبه معظمه بود در حالی که می گفت: خدایا آنچه را به من وعده دادی برایم وفا کن. و در موردی دیگر از وی گزارش شده که آن حضرت را دیدم که به پرده های کعبه در قسمت مستجار آویزان شده بود و می گفت: خدایا از دشمنانت برای من انتقام بگیر (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۵۲۰).

**تردد پیام:** در این نوع از غیبت بین شیعیان و امام نامه نگاری و پیام های شفاهی رد و بدل می شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۲-۵۲۲). ولی در دوران غیبت طولانی، به ندرت شاهد این سبک از ارتباط هستیم.

**مکان دانی:** در این غیبت که به صورت طبیعی است، امام زمان علیه السلام مخفیانه زندگی می کنند و عموم مردم به ویژه مخالفان و دشمنان از محل زندگی آن حضرت بی اطلاع هستند؛ اما چون غیبت طبیعی و بدون اعجاز است، مکان حضرت از شیعیان خاص پوشیده نیست «... الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ...»<sup>۲</sup>.

**کوتاه زمانی:** در احادیث پُرشماری از پیش از ولادت امام زمان علیه السلام، از دو نوع غیبت طولانی و کوتاه آن حضرت خبر داده شده بود و پیشگویی معصومان در این باره به حقیقت پیوست.

۱. برای متصدی امر امامت دو غیبت وجود دارد [که در غیبت کوتاه گاهی] آن حضرت به سوی خانواده اش باز می گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۰، ح ۲۰).

۲. در غیبت نخست به جز شیعیان خاص کسی از مکان او آگاهی ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۰، ح ۱۹).

اگرچه مدت زمان غیبتِ قصیره، ۷۴ سال طول کشید و این مقدار قابل توجه است؛ اما نسبت به غیبت طولانی حضرت، که تاکنون صدها سال به طول انجامیده، زمان کوتاهی محسوب می‌شود.

**وجود سفراء و نواب:** در این نوع از غیبت، بر خلاف غیبت کبری، شیعیان در مسائل دینی به کلیات احاله نمی‌شدند و در امورات جاری، به نمایندگان کلی، بدون تعیین اسم و شخص، ارجاع داده نشدند؛ بلکه سفیران و نایبان امام، افرادی مورد وثوق هستند و به نام، مشخص بودند و مستقیماً به دیدار امام نائل می‌شدند. آنان مستقیماً وکیل امام زمان علیه السلام در این موارد بودند؛ نقل و انتقالات و جوهات شرعی، رساندن دستورات آن حضرت به صورت دستورات فردی یا گروهی به شیعیان و چهره‌های برجسته، رساندن پرسش‌ها و درخواست‌ها و گرفتاری‌های شخصی شیعیان به آن حضرت و دریافت پاسخ‌های ایشان و رساندن به پرسشگران. از همه مهم‌تر، سخن آنان در همه امور و مسائل و مشکلات دینی برای شیعیان حجت بود. آنان هرگز از پیش خود سخن نمی‌گفتند و همه مسائل را از طرف امام زمان علیه السلام بیان می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۵-۳۹۶).

اگرچه در این نوع از غیبت نیز تا حدودی دسترسی به امام مقدور نیست؛ ولی با این حال، دیدار آن حضرت با محدودیت‌های شدیدی و به صورت عادی اتفاق می‌افتد. در انتهای این غیبت امام زمان علیه السلام می‌فرمایند: از هم اکنون غیبت تامه آغاز گشت (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۵۳۰). از این فرمایش نتیجه گرفته می‌شود که تا پیش از این زمان، غیبت، ناقصه بوده است. این نقص که حفاصل ظهور کامل ائمه اطهار علیهم السلام و غیبت کامل است، مانند بین‌الطلوعین نقصان دارد. این نقصان از جهت مشاهده، ارتباط، گفتگوی رو در رو با امام و کوتاهی زمان، در مقایسه با غیبت کبری است.

## ۲. غیبت تطبیق شخصیت

در این گونه از غیبت مردم امام را می‌بینند؛ با او سخن گفته و معاشرت می‌کنند. از سوی دیگر آنان امام زمان علیه السلام را به خوبی می‌شناسند؛ اما نمی‌توانند امامی را که می‌شناسند با این شخصی که در کوچه و خیابان دیده‌اند و با او معاشرت کرده‌اند، تطبیق بدهند. مانند آن که ما به خوبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌شناسیم و از جزئیات زندگی و حتی شکل و شمایل مقدس ایشان نیز اطلاعاتی داریم؛ اما اگر هم اکنون ایشان را در خیابان ببینیم تا وقتی به ما خبر



ندهند که او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، ایشان را نمی‌شناسیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: بدون شک در صاحب این امر سُنَّت‌هایی از انبیاء وجود دارد: ... و اما سنتی که از حضرت یوسف علیه السلام در وجود اوست، پنهان‌زیستی اوست. ... مردم او را می‌بینند؛ در بازارهای آنان راه می‌رود؛ پا روی فرش‌های شان می‌گذارد؛ ولی مردم او را نمی‌شناسند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۳۷؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۵۱).

و از محمدبن عثمان عمری گزارش شده که گفته است: به خدای قسم، بدون شک هر ساله صاحب‌الامر حتماً در مراسم حج حاضر می‌شود. او مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم نیز او را می‌بینند؛ ولی او را نمی‌شناسند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۵۲۰).

در دعای ندبه به امام زمان علیه السلام عرضه می‌داریم: جانم فدای تو که غایبی هستی که از ما خالی نیست؛ جانم فدای تو که دوری هستی که از ما دور نیست (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۸۱).

### ۳. غیبت جسمی و ارتباط روحی

در این نوع از غیبت، امام زمان علیه السلام در مکانی حضور دارند، مخاطب نیز به وجود و حضور امام در آن مکان یقین دارد؛ با ایشان سخن می‌گوید و ارتباط تنگاتنگ روحی برقرار می‌کند، اما امام را نمی‌بیند. از امام رضا علیه السلام راجع به امام زمان علیه السلام سؤال شد. حضرت فرمودند: لَا یَرَى جِسْمَهُ... (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۱۷) جسم مقدس امام زمان علیه السلام دیده نمی‌شود. معمولاً در زمان‌ها و مکان‌های خاص مانند: زیارت‌های مخصوص ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام یا مسجد سهله، مسجد کوفه، مسجد جمکران یا در موسم حج در سعی صفا و مروه، در طواف، در میقات، در رمی جمرات یا در هنگام گریه و ذکر مصائب ائمه اطهار علیهم السلام، یا در خلوت‌ها و نجوای عاشقانه با امام یا هنگام عرض سلام خدمت امام زمان علیه السلام و توسل و فریادخواهی از آن حضرت، این نوع غیبت رخ می‌دهد. در این زمان‌ها و این مکان‌ها، امام شانه به شانه حاجیان حج می‌گذارند، اجداد پاکشان را زیارت می‌کنند و برای مصائب آنان در کنار شیعیان گریه می‌کنند و در توسلات، سراسیمه به فریاد دردمندان و حاجت‌خوان می‌شتابند و سلام ارادتمندان را پاسخ می‌دهند. امام کاظم علیه السلام فرمود:

... یَغِیْبُ عَنِ ابْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا یَغِیْبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِیْنَ ذِکْرُهُ... (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۸؛ خراز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۷۰)؛

شخص وی از دیدگان مردم نهان می‌گردد ولی یاد او از دل مؤمنان پنهان نمی‌باشد.

در لغت به سیاهی انسان هنگامی که از دور دیده می‌شود «شخص» گفته می‌شود.<sup>۱</sup> در این حدیث و احادیث دیگر (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۸)، غیبت و نهان بودن امام، روی «شخص» ایشان رفته است؛ در حالی که یاد او همواره در قلب مؤمنان زنده است و هرگز از قلب مؤمنان پنهان نمی‌گردد. از این رو برای مؤمنان این امکان وجود دارد که رو در روی امام زمان بایستند و با او نجوا کنند و در دل، آشکارا با ایشان ارتباط برقرار کنند و تنها بدن امام را با چشم سر نبینند. در دعای ندبه نیز با نجوایی عاشقانه، خطاب به امام زمان علیه السلام عرضه می‌داریم: بر من سخت است که همه خلایق را می‌بینم، ولی تو دیده نمی‌شوی (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۸۱). این نوع غیبت برای افراد خاص که حضور حضرت را درک می‌کنند، رخ می‌دهد. این نوعی غیبت، شبیه نهان‌زیستی حضرت خضر علیه السلام است. حسن بن علی بن فضال گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است و تا نفخ صور نخواهد مرد و او نزد ما می‌آید و سلام می‌کند و صدایش را می‌شنویم، اما شخص او را نمی‌بینیم و او هر جا که یاد شود حاضر می‌شود و هر که او را یاد کند، بایستی بر او سلام کند و او همه ساله در مراسم حج حاضر می‌شود و همه مناسک را به جا می‌آورد و در بیابان عرفه وقوف می‌کند و بر دعای مؤمنان آمین می‌گوید و خداوند به واسطه او تنهائی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهائیش را با وصلت او مرتفع سازد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۹۰).

مثال دیگر برای این نوع غیبت، ملاقات امام و مُحدِّث با ملائکه است. در این نوع ملاقات امام کاملاً حضور فرشته را درک می‌کند؛ سخن او را نیز می‌شنود؛ اما شخص فرشته را نمی‌بیند و در این گونه ملاقات‌ها دیدار فرشته رخ نمی‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۷۶ و ۲۷۱). تفاوت این دو در این است که ما در ملاقات با امام زمان علیه السلام صدای آن حضرت را نیز نمی‌شنویم. در این نوع از غیبت، مانع و مشکلی در چشم حاضران وجود ندارد؛ بلکه در جسم مبارک امام تصرف شده؛ به گونه‌ای که نامرئی است و کالبد آن، دیده نمی‌شود. این تصرف به قدرت الهی برای امام میسر است.

۱. الشَّخْصُ: سواد الإنسان إذا رأته من بعيد، و كل شيء رأيت جسمانه فقد رأيت شَخْصَهُ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۶۵).

#### ۴. غیبت نامرئی

این غیبت، شبیه غیبت پیشین، نامرئی است. تنها تفاوتی که دارد، شخص بیننده، از دشمنان بی‌ضرر امام زمان علیه السلام یا از انسان‌های بی‌تفاوت و غافل نسبت به ایشان است و در حالی که حضرت، جلو او هستند، به هیچ روی، وجود حضرت را درک نمی‌کند. در نوع پیشین امام و مأموم کاملاً وجود و حضور یکدیگر را حس می‌کردند و با همدیگر ارتباط روحی برقرار می‌کردند. از این رو وجود امام در غیبت نیست؛ امام برای مخاطب تنها ظهور ندارد. در این نوع غیبت نیز نه در چشم مخاطب مانعی از دیدن وجود دارد و نه در آن، تصرفی شده است؛ بلکه در جسم مبارک امام تصرف شده، به گونه‌ای که نامرئی است.

#### ۵. غیبت نابینایی و تصرف در چشم بینندگان

شیوه پنجم از غیبت آن است که جسم مبارک امام زمان علیه السلام کاملاً طبیعی و قابل رؤیت است، اما چشم بینندگان توان دیدن ایشان را ندارد. بدین معنا که برخلاف دو شیوه پیشین، در چشم بینندگان تصرف شده؛ به گونه‌ای که از دیدن او عاجز هستند. در داستان حضرت لوط علیه السلام وقتی قوم ایشان بر خانه وی هجوم آوردند تا فرشتگان مقرب الهی که به شکل نوجوانانی در خانه ایشان حضور داشتند را با خود ببرند، جبرئیل گفت: ما فرستادگان خدای تو هستیم آنان نمی‌توانند به تو آسیب برسانند، سپس مشتی ریگ از صحرا برداشت و به صورت شان پاشید و گفت: «شاهت الوجوه». در این جا بود که بی‌درنگ همه اهل شهر کور شدند و برای مدتی چیزی را نمی‌دیدند (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ۱۱۱). قرآن از این نوع غیبت برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرده برمی‌دارد و می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ (یس: ۹)؛  
و ما فراروی کفار و مشرکان سدّی و در پشت سرشان سدّ دیگری قرار دادیم؛ پس پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو افکندیم، در نتیجه آنان نمی‌بینند.

این نوع از غیبت ابزاری در دست پیامبر صلی الله علیه و آله است تا هر جا که زمینه‌های آسیب ایشان پیش آید، خود را از آن، محافظت کنند. از این رو در چندین مورد، شیوه نابینا کردن مخاطبان را برای استتار خود به کار بستند. مواردی که در تاریخ ثبت شده عبارتند از:

یک) نماز پیامبر صلی الله علیه و آله: ابتدای اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه نماز می‌خواندند. این در جامعه آن روزگار کار عجیبی بود و مشرکان آن را بر نمی‌تافتند. آیه پیش گفته راجع به ابوجهل بن هشام،

ولیدبن مغیره و گروهی از بنی مخزوم نازل شد. چرا که وی قسم خورده بود که چنانچه پیامبر ﷺ را در حال نماز ببیند، سر ایشان را بشکافد. کنایه از این که ایشان را به قتل برساند. روزی پیامبر ﷺ به نماز ایستاده بودند. ابوجهل همراه خود سنگی داشت. هرگاه سنگ را بالا می برد که به سوی ایشان پرتاب کند، خداوند دستش را کنار گردنش خشک می کرد و سنگ در دستش نمی چرخید. وقتی به سوی همراهانش بازگشت، سنگ از دستش فرو افتاد. سپس مرد دیگری از قبیله او برخاست و گفت من پیامبر ﷺ را به قتل می رسانم. هنگامی که نزدیک آن بزرگوار شد، صدای قرائت رسول الله ﷺ را می شنید ولی او را نمی دید. از این رو ترس او را فرا گرفت و به سوی همراهانش بازگشت و گفت: میان من و او چیزی شبیه گوساله حائل شد و مرتب دُمش را بالا می برد و به پاهایش می زد؛ از این رو ترسیدم جلو بروم (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۱۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۰؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ۷۵-۷۶).

**دو) قرائت قرآن:** رویه پیامبر ﷺ در ابتدای اسلام این بود که در مسجدالحرام با صدای بلند قرآن تلاوت می کردند و گروهی از قریشیان، این رفتار پیامبر ﷺ را تحمل نمی کردند؛ از این رو درصدد قتل پیامبر ﷺ برآمدند. وقتی خواستند به این کار اقدام کنند، دست های شان از کار افتاد و بینایی خود را برای مدتی به طوری از دست دادند که چیزی را نمی دیدند. پس نزد پیامبر ﷺ رفتند و ایشان را قسم دادند تا بینایی آنان را باز گردانند؛ پیامبر ﷺ نیز دعا کردند و این آسیب از آنان برطرف شد و برای دیگر بار آیات آغازین سوره یاسین تا □ فَهَمْ لَا يَبْصُرُونَ □ نازل شد (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ۷۷).

**سه) لیلۃ المبیت:** شبی که حضرت علی علیه السلام به جای پیامبر ﷺ خوابیدند تا ایشان از مکه به مدینه مهاجرت کنند گروهی از قریش که نقشه قتل پیامبر ﷺ را ریخته بودند، گرداگرد خانه پیامبر ﷺ را محاصره کرده و برای قتل ایشان در کمین بودند. پیامبر ﷺ از خانه خارج شدند. آنان بیرون در نشسته بودند. پیامبر ﷺ مشتی خاک از بیابان مکه برداشتند و در حالی که آیات ابتدایی سوره یاسین را قرائت می کردند، بر سر آنان پاشیدند و از کنارشان عبور کردند و آنان اصلاً متوجه نشدند و ایشان را ندیدند. وقتی به آیه □ فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهَمْ لَا يَبْصُرُونَ □ رسیدند، شخصی به آنان گفت به چه چیزی می نگرید؟ به خدای قسم بی بهره شدید و زیان دیدید. به خدای قسم او از کنار شما عبور کرد و بر سر تک تک شما خاک ریخت. آنان در پاسخ گفتند به خدای قسم، ما او را ندیدیم (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۶، ۴۶۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۶۲؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۱۴۴).

چهار) جنگ بدر: در این جنگ پس از دلاوری‌های شگفت‌انگیز امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله کار جنگ را تمام کردند؛ مستی خاک برگرفته و بر صورت مشرکان پاشیدند و فرمودند: «شَاهَتِ الْأُجُوهُ». خداوند متعال برای این خاک و سنگ‌ها قدرت بزرگی قرار داد؛ به گونه‌ای که چشمان مشرکان دیگر چیزی را نمی‌دید و شکست خوردند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۶۹؛ کراچکی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۱۶۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۷-۲۸ و ۷۶).

پنج) جنگ خنین: در این جنگ نیز شبیه آنچه در بدر اتفاق افتاد، روی داده است (کراچکی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۱۶۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۱۱۶).

امام زمان علیه السلام که یگانه میراث‌بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر روی زمین هستند نیز مانند جدشان از این قدرت برخوردارند.<sup>۱</sup>

#### ۶. غیبت حجابی

در این نوع از غیبت، نه جسم مبارک نامرئی است و نه چشم بیننده از دیدن امام ناتوان می‌شود و نه در تطبیق دچار اشکال می‌شود؛ بلکه خداوند حجاب و ساتری میان جسم امام و چشم بیننده قرار می‌دهد تا نتواند امام را ببیند. در این نوع از غیبت، خود پرده حائل، نامرئی است و دیده نمی‌شود. قرآن کریم به این نوع غیبت برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند:

وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (اسراء: ۴۵)

و هنگامی قرآن قرائت کردی ما بین تو و بین کسانی که ایمان به آخرت ندارند پرده‌ای پنهان قرار دادیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها این حجاب را برای پنهان کردن خود در مقابل ستیزه‌جویان مشرک، به کار گرفتند. ایشان با قرائت این آیه در مسجد الحرام، مقابل حجرالاسود نماز می‌خواندند و دیده نمی‌شدند تا این که نمازشان به پایان می‌رسید (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۸۷). نیز أسماء، دختر ابوبکر گفته:

هنگامی که □ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ □ نازل گردید، أم جمیل، همسر ابولهب بسیار ناراحت شد و فریادگنان با جوش و خروش به طرف مسجد الحرام روی آورد. رسول الله صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود و ابوبکر هم در خدمت آن جناب بود. هنگامی که ابوبکر چشمش به أم جمیل

۱. در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شود.

افتاد عرض کرد: یا رسول الله ﷺ، اُمّ جمیل به سوی ما می‌آید و من می‌ترسم شما را ببیند. حضرت فرمود: او هرگز مرا نخواهد دید، در این جا بود که پیغمبر قسمتی از قرآن را خواندند و قرآن را ریسمانی برای نجات از دشمن قرار دادند و شروع به قرائت این آیه شریفه کردند: □ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّشْتُورًا □ در این هنگام اُمّ جمیل نزد ابوبکر آمد و توقف کرد ولی رسول الله ﷺ را ندید و گفت: ای ابابکر به من اطلاع دادند که صاحب تو به من توهین کرده است! ابوبکر گفت: به پروردگار کعبه سوگند صاحب من به تو توهین نکرده است. وی پس از این گفتار از نزد ابوبکر رفت در حالی که می‌گفت: قریش می‌داند که من دختر رئیس آنان هستم (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۰).

امام رضا علیه السلام به پرده غیبت اشاره کرده و به ربّان بن صلت فرمودند:

... ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يَغِيْبُهُ اللهُ فِي سِتْرِهِ... (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۷۶)؛

... حضرت مهدی علیه السلام چهارمین فرزند از نسل من است که خداوند او را در پرده خویش پنهان می‌سازد...

به نظر می‌رسد، از میان انواع پیش‌گفته غیبت، در شرائط معمولی و عادی، در رتبه نخست، غیبت نامرئی و در رتبه بعدی، غیبت تطبیق شخصیت، بیشتر از انواع دیگر برای عموم جوامع انسانی اتفاق بیفتد. زیرا انواع دیگر مناسب با شرائط خاص است. تا این جا از شش نوع غیبت سخن گفته شد. حال پرسش اساسی آن است که آیا گونه‌های غیبت، محصور در دو مورد ادعا شده، یا این شش مورد است؟ آیا شیوه‌های غیبت محصور در عدد خاصی است؟ در ادامه هر گونه انحصاری در این باره نفی خواهد شد.

### عدم انحصار انواع غیبت

مدعای این نوشتار آن است که غیبت مفهوم عامی است که به شیوه‌ها و اصناف گوناگون و متفاوت با یکدیگر تحقق می‌یابد و امام برای غیبت خود، محصور در دو شیوه مشهور یا عدد خاصی نیست. در قسمت پیشین، گونه‌های جدیدی از غیبت نشان داده شد. در این قسمت ادله و شواهدی بر عدم انحصار تعداد این شیوه‌ها ارائه می‌شود. برخی از آنان دلیل و برخی دیگر شواهدی بر مدعا محسوب می‌شوند. برخی ضرورت را اثبات می‌کند و برخی دیگر امکان یا وقوع آن را به اثبات می‌رساند. به هر روی این ادله و شواهد به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند. مقصود از شواهد و ادله عام، آنها هستند که به امام زمان علیه السلام اختصاص ندارد و

بیشتر مربوط به مقام امامت و رسالت می‌شود و منظور از شواهد خاص آنها هستند که به آن حضرت اختصاص دارد.

### ۱. ادله و شواهد عام

در ابتدا باید توجه داشت که خداوند این قدرت را دارد که به هر شیوه‌ای صلاح بداند یا نیاز باشد چشم و گوش و حتی راه معرفت قلبی را از انسان بازپس گیرد و یا حجت خود را به هر شیوه بخواهد پنهان دارد. هیچ محدودیتی در این زمینه برای خداوند متعال متصور نیست. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَمَّ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ  
انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ﴾<sup>۱</sup>.

از دیرباز غیبت و نهان‌زیستی در میان حجت‌های الهی، منحصر در یک شیوه خاص نبوده؛ بلکه این رخداد با شیوه‌های گوناگون به وقوع پیوسته است. گاهی مانند حضرت ادریس علیه السلام کناره گرفتن از مردم و زندگی در غار است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۲۹-۱۳۲). گاهی مانند حضرت موسی علیه السلام به شیوه مسافرت و دور شدن از مردم یا به اشکال دیگر است (همان: ج ۱، ۱۴۷-۱۴۵؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۳۶-۱۳۷). حضرت یوسف علیه السلام در قطعه‌هایی از عمر شریف خود، سه نوع غیبت را پشت سر گذراندند: در چاه ماندن، محبوس شدن در زندان و حکمرانی مصر بدون آن‌که شناخته شده باشند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۴۱-۱۴۷).<sup>۲</sup> گاهی مانند حضرت دانیال علیه السلام اسارت در دست طغیانگر زمان است (همان: ج ۱، ۱۵۷-۱۵۸). گاهی منجی الهی مانند حضرت داود علیه السلام در بین مردم و با آنان زندگی می‌کند؛ ولی مردم او را نمی‌شناسند (همان: ج ۱، ۱۵۴). گاهی غیبت حجت خدا مانند حضرت عزیر و ذی القرنین علیه السلام به مرگ است (همان: ج ۱، ۱۵۸ و ۲۲۶؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۴۰-۴۱)<sup>۳</sup> و گاهی مانند حضرت عیسی علیه السلام به شیوه سیاحت در زمین (همان: ج ۱، ۱۶۰) و نوعی دیگر بالا بردن ایشان است (ابن

۱. [ای پیامبر!] به ایشان بگو: چه خیال می‌کنید، اگر خدا چشم و گوش شما را بگیرد و بر دل‌های شما مهر نهد (تا چیزی نفهمید)، کیست جز خدا که آنها را به شما باز پس دهد؟ ببین که چگونه حجت‌ها را برای ایشان بیان می‌کنیم (و باز می‌نمایانیم) و باز ایشان روی می‌گردانند (و طفره می‌روند؟) (انعام: ۴۶).

۲. یوسف: ۱۰، ۱۵، ۱۹، ۳۳-۳۶ و ۷۸.

۳. بقره: ۲۵۹.

بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۱۵؛ نباطی عاملی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ۲۲۲؛ سبحانی، بی‌تا: (۱۴۶).<sup>۱</sup> در گزارشی از حضرت علی علیه السلام می‌آموزیم که حضرت ابراهیم علیه السلام سه نوع حجاب و غیبت داشته - اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر برتری‌شان از پنج نوع حجاب و غیبت در برابر کسانی که قصد قتل ایشان را داشته‌اند، برخوردار بودند و آیات نخستین سوره یس و آیه ۴۵ سوره اسراء، به حجاب‌های پنج‌گانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره دارد. در این حدیث، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله از قاتل خود با پنج پرده مستور گردید، خداوند عزوجل در وصف محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَأَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا وَأَمِنْ يَمِينِهِمْ سَدًّا وَأَمِنْ شَمَائِلِهِمْ سَدًّا وَقَدْ كَفَرْنَا بِهِمْ لَوْلَا رَحْمَةُ رَبِّنَا لَأَخَذْتُمُوهُمْ كَمَا أَخَذْتُمُوسَىٰ وَآلِيهٖ إِنَّهُمْ كَافِرُونَ (یس: ۹) و این هم پرده سوم. سپس فرموده: وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (اسراء: ۴۵) و این هم پرده چهارم. سپس فرموده: فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ<sup>۲</sup> پس اینها حجاب‌های پنج‌گانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۲۱۳).

انجام برخی مسئولیت‌ها که تنها بر عهده مقام امامت است؛ مانند: تجهیز امام پیشین (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۱۰۴؛ ج ۲، ۲۴۳-۲۴۵؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۶۳-۶۴) یا حضور بر بالین محتضران و تجهیز مُردگان شیعه (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق: ۸۱-۸۵؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق: ۴۴۵؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۲۹۲؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: اسماعیلی، محمد کاظم، لحظه دیدار) یا رسیدن به فریاد کمک خواهان (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۵۹۵-۵۹۶) یا رفتن امام برای اثبات امامت خویش (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق: ۱۸۶-۱۹۴)، همگی شواهدی بر ضرورت قدرت غائب شدن امام و شیوه‌های گوناگون آن است. اساساً زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام هموار در رُعب و اختناق و فشار حُکام ستمگر گذشته است. با وجود این دسیسه‌ها و دشمنی‌ها، حفظ امام از قتل و آزار، تا موعدی که از جانب خدای متعال مقرر گشته، ضرورت دارد و یکی از راه‌های آن، نهان ساختن امام از دیده‌هاست. باید توجه داشت که در مواردی با انحصار امام در یک شیوه از غیبت، امام در تنگنا قرار می‌گیرد و پیامدهای دیگری برای امام پدید می‌آورد؛ در نتیجه حفظ امام که غرض اصلی غیبت است به درستی تحقق نمی‌یابد. این قدرت و مقام برای اهل بیت علیهم السلام وجود دارد که به شیوه‌های گوناگون، از دیدگان غایب

۱. نساء: ۱۵۷؛ آل عمران: ۵۵.

۲. ما بگردن آنان زنجیرهایی قرار داده‌ایم که تا به چانه‌های‌شان رسیده است و آنان سر بالا گرفته مانده‌اند (یس: ۸).



شوند. نمونه‌های تاریخی این رخداد نه تنها امکان، بلکه وقوع آن را به اثبات می‌رساند. گرفته شدن بینایی عایشه از دیدن اهل بیت علیهم‌السلام هنگام تجهیز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (هلالی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۵۷۸)، نایبایی شگفت‌انگیز منافقان از دیدن امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بازگشت از جنگ صفین (بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۴۷۴) و نیز هنگام ولادت در کعبه (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ق: ج ۱، ۷۸-۷۷)، غایب شدن امام حسن علیه‌السلام در آسمان (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۱۶۶)، غایب شدن امام سجاد علیه‌السلام از دید مأموران عبیدالله بن زیاد پس از واقعه عاشورا به جهت اقامه نماز بر پیکر مقدس امام حسین علیه‌السلام و دفن ایشان (مسعودی، ۱۳۸۴ق: ۲۰۷-۲۰۸؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۴-۴۶۳) یا نامرئی شدن شان از دید مأموران عبدالملک (أبونعیم اصفهانی، ۱۳۹۴ق: ج ۳، ۱۳۵؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۱۳۲)، پرس و جو کردن ابوبصیر از نامرئی بودن امام باقر علیه‌السلام در مسجد (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۵۹۵-۵۹۶)، ناپدید شدن‌های مکرر حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام از دید شقیق بن ابراهیم بلخی در سفر حج (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۳۱۷-۳۱۹)، و از دید صفوان بن مهران جمّال (بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۶، ۱۷۳)، و در ایام زندان از دید مسیب بن زهیر و زندان بانان (۱۳۷۸ق: ج ۱، ۱۰۱-۱۰۴؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۳۱۵-۳۱۳، ۳۲۰ و ۳۲۲)، غایب شدن امام رضا علیه‌السلام از طوس به جهت دلتنگی فرزند گرامیش امام جواد علیه‌السلام و رفتن به مدینه برای دیدار ایشان (سبزواری، ۱۳۷۸ش: ۲۲۶-۲۲۸)، غایب شدن امام حسن عسکری علیه‌السلام و فرو رفتن در زمین (طبری آملی صغیر، ۱۴۲۷ق: ۳۷۶)، و حتی غیبت‌های مقطعی امام زمان علیه‌السلام در ۵ سال نخست حیات مبارک‌شان که هنوز غایب نشده بودند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۲۸ و ۴۷۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۶-۲۳۹)، همگی شواهدی بر این مدعا هستند.

گوناگونی و متفاوت بودن موارد نیاز به این قدرت، مجموعه‌ای از انواع غیبت را پیش روی امام قرار می‌دهد که در هر مورد، غیبتی متناسب با آن را به کار ببندد. حتی گاهی شخصی باید امام را ببیند و شخص دیگر که در کنار اوست، نباید امام را ببیند. در این مورد امام شیوه‌ای به کار می‌بندند که در آن واحد و در مکان واحد، یکی ایشان را ببیند و آن دیگری نبیند (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۵۹۵-۵۹۶).

توجه به این نکته لازم است: اگرچه شواهد پیش گفته، اختصاص به امام زمان علیه‌السلام ندارد؛ اما از آن جا که بنای عمومی در زندگانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، بر زندگی آشکار در میان مردم بوده و بنا بر نهان زیستی نبوده است، این شواهد برای امام زمان علیه‌السلام که بنای

اصلی حیات‌شان در دوران غیبت بر نهان‌زیستی مطلق است، تأکید و ضرورت بیشتری پیدا می‌کنند.

## ۲. ادله و شواهد اختصاصی

محدود‌پنداری غیبت در نوع خاصی از آن، با برخی مسائل مهدویت سازگاری ندارد. مثلاً اگر غیبت تنها در شیوه «دیده نشدن امام از اساس» منحصر شود، نمی‌توان در بحث «ازدواج امام زمان علیه السلام در ایام غیبت» به امکان آن معتقد شد؛ چراکه امکان اختیار همسر، برای شخصی که از اساس دیده نمی‌شود، وجود ندارد.

از آن جا که امام زمان علیه السلام میراث‌دار غیبت پیامبران و حجت‌های پیشین علیهم السلام بوده و شبیه آنان است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۲-۳۱ و ۱۳۷؛ ج ۲، ۵۲۴، ح ۴) و به این دلیل که حضرت، دارای مراتب بیشتری از همه قدرت‌ها، توانایی‌ها و علوم ایشان است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۲۶)، قدرت بر انواع غیبت‌های آنان را داراست.

امام زمان علیه السلام تنها میراث‌دار و تنها جانشین بازمانده، از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و نیاکان پاک خود و باقیمانده خداوند در زمین است. خداوند برای حفظ جان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم خود از بدخواهان، به معرفی پنج نوع سائر پرداخته است. این در حالی است که بنای اصلی ارتباط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با مردم بر پنهان‌زیستی نبوده و در مواردی محدود و محدود، برای حفظ جان، نیاز به استتار بوده است؛ اما ویژگی امام زمان علیه السلام در میان همه حجت‌های الهی، غیبتی متفاوت و منحصر به فرد است و یک فصل مهم در حیات ایشان، غیبت طولانی است. این غیبت در مقایسه با استتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و غیبت همه حجت‌های الهی، غیبتی به مراتب فراتر و گسترده‌تر است و از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. گستردگی و ویژگی‌های غیبت امام زمان علیه السلام از چند جهت است:

یک) **گستره وسیع زمانی:** غیبت امام زمان علیه السلام تاکنون نزدیک به ۱۲۰۰ سال به طول انجامیده و انتهای آن، باز بسته به اراده خداوند متعال است.

دو) **فراگیری افرادی:** امام باید از دید همگان پنهان بمانند. شمول افرادی انسانی، شامل شیعیان و دوستداران امام، دشمنان امام، جاهلان و بی‌تفاوتان نسبت به امام، انسان‌های معمولی و ضعیف، انسان‌های دارای قدرت‌های مادی پیشرفته و انسان‌های دارای قدرت‌های فرامادی می‌شود. از جمله می‌توان به علوم غریبه اشاره کرد. از این رو انسان‌هایی مانند

مرتاضان یا صاحبان علوم غریبه نیز نمی‌توانند با روش‌های مخصوص به خود به مکان امام، آگاهی یابند (صداقت، ۱۴۰۰ش: ۱۳). این گستره، به جز شمول انسانی، شامل نیروهای ماورایی مانند ابلیس و شیاطین و جنّ نیز می‌شود. از وجوه تمایز این غیبت با استتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، غیبت از دوست و دشمن است.

**سه) فراگیری حالتی:** امام مأمور است نسبت به همه حالات خود و مردم نهان‌زیستی را رعایت کنند. این فراگیری حالت خوف و حالت امنیت امام، حالت دوستی و یاری مردم با امام و جستجوی امام برای اظهار محبت و حالت دشمنی و جستجوی امام برای آسیب‌رسانی و یا هر حالت دیگر را شامل می‌شود. از جمله راه‌های تشخیص مصداق امام، برای مومنان حقیقی و دارای دل و عقل سالم و پاک، کشش دل و میل قلبی به سمت و سوی امام است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۹-۴۱). در دوران غیبت این راه مسدود است و هیچ مؤمنی نمی‌تواند از این راه امام زمان علیه السلام بشناسد. البته موارد تشرفات از این حکم استثناست.

**چهار) پیشرفت فن‌آوری‌های بشری:** پیروان و شیفتگان امام و نیز استکبار جهانی و دشمنان درون دینی که به خوبی خطر امام زمان علیه السلام را برای سلطه، قدرت و ثروت خود درک کرده‌اند؛ هر دو، یکی با انگیزه وصال عاشقانه و دیگری با هدف قتل آن حضرت، به دنبال دستیابی امام زمان علیه السلام هستند. دشمنان همواره به دنبال شیوه‌های نوین برای گشتار و چپاول بشریت و ثروت‌های زمینند. روزی پنداشته می‌شد که امام زمان علیه السلام تنها از دیده‌ها غایب است. اما امروزه راه‌های تشخیص وجود آدمی در مکان خاص، فراتر از شیوه دیداری رفته است. در جهان کنونی، سلاح‌های حرارتی تولید شده که از روی حرارت بدن انسان، به وجود او پی می‌برند. یا ممکن است دستگاهی اختراع شود که از اثری که صدا در محیط از خود به جای می‌گذارد، پی به وجود انسان در آن مکان ببرند و یا شیوه‌هایی که در آینده، بشر به آن دست پیدا خواهد کرد. به هر روی فراگیری غیبت امام به گونه‌ای است که با هر پیشرفت و فن‌آوری نمی‌توان به امام دست پیدا کرد.

**پنج) فراگیری غیبت از همه آثار وجودی امام:** از گذشته‌های دور، بشر برای رفع نیاز خود، برای جستجو و کشف انسان‌های پنهان، مانند زندانیان فراری، متواریان، پیروزی در جنگ‌ها و پدافند غیرعامل، راه‌های متفاوتی را در پیش گرفته و کارشناسانی در این حوزه وجود داشته‌اند. این فن، همواره در حال پیشرفت و توسعه بوده است. روزگاری از ردّیا یا بو و یا تغییر شکل محیط و طبیعت، با استفاده از انسان یا حیواناتی مانند سگ‌های جستجوگر و یا باد، پی به

وجود انسان‌های نهان‌زیست می‌بردند. اما امروزه این شیوه‌ها پیشرفت کرده است. و چنانچه به دنبال جستجو و کشف انسان نهان‌زیستی باشند، باید از یک اثری که وی از خود به جای گذاشته، پی به وجود او برده شود. این آثار متعدد و گوناگون است. برخی از این آثار مانند ردّ پا، آثاری شناخته شده است و برخی مانند حرارت بدنی، به تازگی کشف شده است. باید توجه داشت که در غیبت امام زمان علیه السلام هر نوع اثری از وجود ایشان، باید از دسترسی همگان مستتر و مخفی باقی بماند و هیچ قدرت انسانی و غیر انسانی نتواند از روی آثار گوناگون وجودی امام، به حضور امام در مکان و زمان خاصی پی ببرد. پس نمی‌توان گفت امام زمان علیه السلام تنها از دیده‌ها غایب است. بلکه از لحاظ صدا و هر اثر دیگری نیز غایب است. در زمان غیبت همگان حتی عاشقان آن حضرت، از شنیدن ضعیف‌ترین صدای امام نیز محرومند: «وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى»<sup>۱</sup>. برخی از آثار وجود امام عبارتند از وجود دیداری، صدای امام، ردّ پا، اثر باقیمانده از صدا، حرارت بدنی، بو، خون و فضولات بدنی، مانند عرق، ناخن، مو، بول و غایط. از آن جا که اعضاء و اجزاء مقدس بدن امام دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد و از بهترین نوع آن است، امکان دارد که تشخیص وجود آن حضرت را آسان‌تر کند. مثلاً ممکن است پیشرفت‌های بشری، از حیواناتی مانند پشه که صرف وجود خون، آنان را به وجود طعمه رهنمون می‌سازد، الگو گرفته و رباطی بسازد که از وجود خون، پی به وجود انسان در مکانی برده شود. خون حضرت نیز که بهترین خون است تشخیص آن را آسان‌تر می‌کند. به هر روی آثار وجودی امام زمان علیه السلام که می‌توان از آنها پی به وجود امام برد و دشمنان یا دوستان از این آثار به حضرت دسترسی پیدا کنند، تنوع دارد و باید گفت غیبت، از جهت آثار گوناگون وجود امام نیز اطلاق دارد و شامل همه آثار وجودی امام می‌شود.

از آن جا که غیبت امام زمان علیه السلام از هر یک از این جهات پنج‌گانه اطلاق دارد و هیچ‌کسی، در هیچ زمانی، با هیچ روش و ابزاری و از روی هیچ اثری نباید به امام دست یابد، ضرورت شیوه‌های مادی و فرامادی بیشتر و نوین برای نهان‌زیستی امام زمان علیه السلام در این عصر دوچندان می‌شود. چنانچه خداوند این امکان را برای تنها حجتش فراهم نکند یا قدرت شیوه‌های گوناگون استتار را به امام ندهد، به گونه‌ای منجر به نقض غرض در پنهان‌زیستی

۱... بر من سخت است که از تو کوچک‌ترین صدای ضعیفی یا صحبت در گوش می‌شنوم (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق).

امام، در عصر پیشرفت فناوری بشری می‌شود. پس از آن جا که غرض خداوند، نگهداشت حجت خود تا هنگامه ظهور است و این نگهداشت همراه با استتار و نهان‌زیستی مطلق است، پس برای تأمین این اغراض و اهداف، باید انواع و اقسام شیوه‌های نهان‌زیستی، چه قدیمی و چه جدید متناسب با زمان، در اختیار یگانه حجت خداوند باشد. نه تنها خداوند این قدرت را داراست که با هر یک از شیوه‌های پیش‌گفته غیبت، امام زمان علیه السلام را مانند انبیاء و اجداد طاهرینش نهان سازد، بلکه با هر شیوه تازه‌ای، متناسب با زمان و منطبق با دانش‌ها و فناوری‌های نوین بشری یا دسیسه‌های جدید انسانی، شیطانی و فرابشری، حجت خود را با قدرت‌های پیدا و پنهان تجهیز کند و از هر نوع دستیابی مستور بدارد.

### نتیجه‌گیری

غیبت را می‌توان از جهات گوناگون به اقسامی مانند غیبت تامه و ناقصه، غیبت خوف و ایمن، غیبت دوستانه و دشمنانه، غیبت ناشی از اراده الهی و غیبت ناشی از رفتارهای پلید مردم تقسیم کرد. این گمانه صحیح نیست که غیبت حقیقتی است که دو معنا و تفسیر داشته باشد: یکی آن که امام اصلاً دیده نمی‌شود و دیگر آن که دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌شود. بلکه غیبت حقیقتی است که اصناف، گونه‌ها و شیوه‌های مختلف و متفاوت دارد. در حقیقت این دو تفسیری که برای غیبت گفته شده، دو گونه از انواع پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام است نه تفسیرهای گوناگون از آن. و نیز صحیح نیست گفته شود، غیبت تنها به همین دو گونه تحقق می‌یابد. بلکه غیبت گونه‌های متفاوتی دارد مانند: ۱. غیبت ناقص به گونه‌ای که امام در خفاء زندگی کند نه آن که به طور کامل ناپدید باشند و ارتباطشان به طور کلی با مردم قطع شده باشد؛ ۲. مردم او را ببینند ولی در تطبیق شخصیت امام با او دچار قصور هستند؛ ۳. امام اساساً نامرئی شوند؛ ۴. امام در چشم بینندگان تصرف کنند به گونه‌ای که آنان نابینا شوند؛ ۵. آن که حجاب و ساتری بر چشمان آنان بیفکنند به گونه‌ای که نابینا نیستند اما آن پرده مانع از دیدار امام شود. این غیبت حجابی است که خود انوعی دارد. انحصار شیوه‌های غیبت در دو نوع یا در پنج نوع یا هر عدد دیگر، اولاً محدود‌پنداری قدرت خداوند و کاهش توانایی و علم امام زمان علیه السلام از سطح مطلوب آن است. ثانیاً با توجه به ویژگی‌ها و گستردگی بی‌بدیل غیبت امام زمان علیه السلام در میان غیبت‌ها و استتارهای سلسله حجج الهی، این غیبت اقتضا دارد که نه تنها امام زمان علیه السلام همه انواع غیبت‌های حجج پیشین را دارا باشند بلکه با وجود گوناگونی و

متفاوت بودن موارد نیاز به این قدرت از یک سو، شمول فراگیر غیبت از جهات گوناگون از سویی، و پیشرفت‌های نوین بشری برای دست‌یابی به انسان‌های نهان‌زیست از دیگر سو، بسنده کردن به شیوه‌های محدود، برخلاف مشی عقلانی است. از این رو ضروری است تا دست امام برای هر شیوه جدیدی برای غیبت باز باشد تا امام براساس نیازها، مصالح و اقتضائات پیشرفت‌های بشری و دسیسه‌های گوناگون شیطانی، شیوه‌هایی را برای مستور ماندن خود به کار گیرند. و مجموعه‌ای از گونه‌های غیبت پیش روی امام قرار گیرد که در هر مورد، غیبتی متناسب با آن را به کار ببندند. همگان باید بدانند چه دوستان با انگیزه‌های معنوی و چه دشمنان با اهداف شیطانی، در دوران غیبت تامه، با هیچ پیشرفتی، هیچ‌گاه نمی‌توانند به امام زمان عجل الله تعالی فرجه دست یابند؛ چراکه حفاظت و حراست خداوند از امام قطع ناشدنی است و دست قدرت و علم امام در غیبت، بالاتر و والاتر از همه پیشرفت‌های بشری و قدرت‌های شیطانی است؛ از این رو باید این خیال خام را از سر به در کنند یا در خیال خود بمانند و نظاره‌گر عجز و ناتوانی خویش در برابر جبهه پُر قدرت حق باشند.

### منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر عزالدین أبوالحسن علی بن ابی الکرّم (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر/ دار بیروت.
۲. ابن بابویه، علی بن الحسین (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم: مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه*، تهران: نشر جهان، اول.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۹۶۶م)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری، اول.
۷. ابن جوزی أبوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول.
۸. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۹ق)، *الثاقب فی المناقب*، قم: انصاریان، سوم.

۹. ابن روزبهان خنجی، فضل الله (۱۳۷۵ش)، وسیله الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، قم: انصاریان، اول.
۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، اول.
۱۱. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۱۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الكبير، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۱۳. أبو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۹۴ق)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر: السعادة، اول.
۱۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام (ط - القديمة)، تبریز: بنی هاشمی، اول.
۱۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ق)، مدينة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، اول.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیة.
۱۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵ق)، الغارات أو الاستنفار والغارات (ط - الحدیثة)، تهران: انجمن آثار ملی، اول.
۱۸. حائری پور، محمد مهدی (۱۳۹۶ش)، «مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام» تداوم جریان سنت غیبت در انبیاء علیهم السلام»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، شماره ۲۱.
۱۹. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، قم: بیدار.
۲۰. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۰ش)، امامت در بینش اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، سوم.
۲۱. رحیمی جعفری، محسن (۱۳۹۱ش)، حقیقت غیبت از منظر روایات، ناشر نسخه الکترونیکی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان؛ ناشر چاپی: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، اول.
۲۲. سبحانی، جعفر، الايمان والكفر فی الكتاب والسنة، رسالة فی حياة السيد المسيح علیه السلام بعد الرفع، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی، قسمت کتابخانه.
۲۳. سبزواری، حسن بن حسین (۱۳۷۸ش)، راحة الأرواح در شرح زندگانی، فضائل و معجزات ائمه اطهار علیهم السلام، تهران: اهل قلم، دوم.

۲۴. سلیمان، خدامراد (۱۳۹۱ش)، *درسنامه مهدویت*، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، دوازدهم.
۲۵. سیدمرتضی علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۹ق)، *المقنع فی الغیبه*، محقق: محمدعلی حکیم، بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲۶. صداقت، سید علی اکبر (۱۴۰۰ش)، *ناگفته های کشمیری*، قم: سرای کتاب، اول.
۲۷. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۲۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی* (ط - القدیمة)، تهران: اسلامیه، سوم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۲ق)، *تاج الموالید*، بیروت: دارالقاری، اول.
۳۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلایل الإمامة* (ط - الحدیثه)، قم: بعثت، اول.
۳۲. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۲۷ق)، *نوادیر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام*، قم: دلیل ما، اول.
۳۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الإسلامیه، اول.
۳۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافه، اول.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین* (ط - القدیمة)، قم: انتشارات رضی، اول.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، دوم.
۳۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائج*، قم: مؤسسه امام مهدی عليه السلام، اول.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب، سوم.
۳۹. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر، اول.
۴۰. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *رجال کشی (إختیار معرفة الرجال)*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول.



۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۴۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، *الزهد*، قم: المطبعة العلمية، دوم.
۴۳. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ق)، *إثبات الوصية للإمام علی بن أبي طالب عليه السلام*، قم: انصاریان، سوم.
۴۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۴۵. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، *البدء والتاریخ*، بی جا: مکتبه الثقافة الدينية.
۴۶. نباطی عاملی، علی من محمد (۱۳۸۴ق)، *الصرط المستقیم إلى مستحق التقدیم*، نجف: المکتبه الحیدریة، اول.
۴۷. نعمانی ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تهران: نشر صدوق، اول.
۴۸. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، قم: الهادی، اول.
۴۹. الهی نژاد، حسین؛ میانجی، محمد (۱۳۸۸ش)، «*چگونگی غیبت امام زمان عليه السلام*»، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جمعی از نویسندگان مجله مبلغان، تنظیم: اکبر اسدعلیزاده، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، اول.
۵۰. یزدی مطلق، محمود و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱ش)، *امامت پژوهی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.